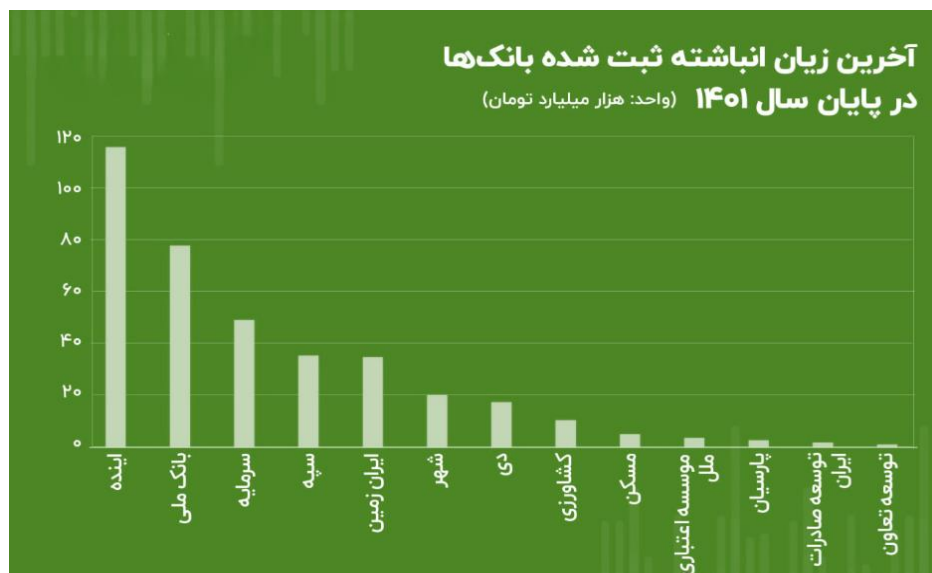


ناترازی بانکی؛ ریشه‌ها و راهکارها^۱

ناترازی بانکی در «تفاوت کیفیت و کمیت دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌ها» خلاصه می‌شود. وقتی درآمد ناشی از سود تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌ها کفاف هزینه‌های مربوط به پرداخت سود سپرده و هزینه‌های اداری بانک را نمی‌دهد، بانک‌ها دچار ناترازی و زیان انباشته می‌شوند. همچنین اگر بانکی به دلیل خلق پول بی‌ضابطه یا خروج مقطعی سپرده‌ها دچار کسری ذخایر شود، با ناترازی مواجه می‌شود.

تحلیل

ناترازی شبکه بانکی پدیده‌ای است که در دهه ۹۰ و در اثر سیاست‌های نادرست دولت و بانک مرکزی با هدف کنترل تورم و از طریق سیاست مهار پایه پولی و افزایش نرخ سود سپرده جدیدت پیدا کرد. با افزایش نرخ بهره واقعی و رقابت بانک‌ها برای جذب سپرده، هزینه‌های بانک‌ها افزایش پیدا کرد و آنها را به خلق پول بیشتر برای جبران این هزینه‌ها تشویق نمود. از طرفی عدم وجود یک نظام اعتبارسنجی کارآمد، تامین مالی ترجیحی شرکت‌های وابسته به بانک‌ها، تسهیلات تکلیفی، سرمایه‌گذاری بانک‌ها در فعالیت‌های غیر مولد، امهال سیستماتیک تسهیلات و در نهایت شوک‌های اقتصاد کلان، درآمدهای بانک‌ها را به شدت کاهش داد. افزایش مصارف اعتباری بانک‌ها و کاهش درآمدهای آنها، باعث اعسار و ناترازی بسیاری از بانک‌ها شد. این ناترازی به خوبی در زیان انباشته بانک‌ها منعکس شده است.



^۱ تهیه شده توسط سیدعباس عباس‌پور مدیر گروه پول و بانک اندیشکده اقتصاد مقاومتی؛ خرداد ۱۴۰۳ (دارای منابع و تحقیقات پشتیبان)



البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که برخی صاحب‌نظران تسهیلات تکلیفی دولت، افزایش نرخ ارز و تورم و به تبع آن منفی شدن نرخ بهره حقیقی تسهیلات را عامل مسلط در ناترازی بانک‌ها می‌دانند؛ اما بررسی‌های کارشناسی صورت‌های مالی و تبیین خلق پول درونزای بانکی و دلالت‌های مربوط به آن نشان می‌دهد که این دیدگاه نمی‌تواند ناترازی بانک‌ها را به خوبی توضیح دهد و از تاثیر ناکارآمدی‌های لایه مدیریتی و حاکمیت شرکتی بانک و اثرات پرداخت بی‌ضابطه تسهیلات کلان و انباشت مطالبات از شرکت‌های وابسته به بانک‌ها، چشم پوشی کرده است.

ناترازی بانکی را می‌توان در لایه دیگری نیز تحلیل کرد. در هر روز کاری هزاران میلیارد تومان ذخائر ناشی از خلق پول یا جذب سپرده در بین بانک‌ها جابجا می‌شود. یک بانک هنگام تسویه‌های بین بانکی یا تامین ذخایر قانونی، بخشی از این ذخایر را مصرف می‌کند و در سمت چپ ترازنامه بانک مرکزی بین حساب‌های خود، دولت و بانک‌ها جابجا می‌کند. حال بانک در جریان ورود و خروج این ذخائر ممکن است به دلیل خلق پول بی‌ضابطه یا خروج مقطعی سپرده‌ها، با کسری ذخائر مواجه شود. رفتار انقباضی بانک مرکزی در بازار بین بانکی و عدم تزریق به موقع ذخایر نیز موجب اضافه برداشت بانک‌ها و در نتیجه رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و تعمیق ناترازی می‌شود.

راهبردهای پیشنهادی

باتوجه به ناکارآمدی لایه سهامداران عمده و مدیران بانکی و ادامه سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی که به ناترازی در شبکه بانکی دامن زده است، پیشنهادات زیر برای خروج از بحران مطرح می‌شود:

- استفاده از ظرفیت قانون «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» جهت کنترل و تعیین تکلیف بانک‌های ناسالم
- اصلاح ساختار حاکمیت شرکتی و سلسله مراتب تصمیم‌گیری در شبکه بانکی
- تدوین برنامه بازبینی کیفیت دارایی‌های بانکی (AQR)
- اجرای سیاست هدایت اعتبار به منظور مستهلک کردن زیان ناشی از عملیات بانک‌ها
- پیشبرد سیاست کنترل ترازنامه در جهت جلوگیری از رشد بی‌ضابطه دارایی بانک‌های ناسالم و زیان‌ده
- فروش اموال مازاد و منجمد بانک‌های ناتراز و جایگزینی آن با سرمایه‌گذاری‌های مولد
- استقرار نظام یکپارچه نظارتی و تکمیل سامانه‌های سمات، ذی نفع واحد و... در بانک مرکزی
- توجه ویژه به فرآیندهای اعتبارسنجی در نظام بانکی